

# ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی، زبان قرآن (۳) دوازدهم انسانی از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

**(الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

**(ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌هایی که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ امتحان‌های نهایی برگزارشده در سال‌های ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

**(الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ آزمون‌های نهایی خرداد، شهریور و دی ۹۸ و دی ۹۹ هستند که طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**(ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال

مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد و شهریور ۱۴۰۰ و خرداد و شهریور ۹۹ هستند.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آنچه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت تمام آنچه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۱ صفحه

آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

**یک راهکار:** موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های اول تا سوم آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



## فهرست

### بازمبندی درس عربی، زبان قرآن (۳) انسانی

نوبت دوم شهریور و دی	نوبت اول	مهارت‌های زبانی
۲	۲	واژه‌شناسی
۹	۹	ترجمه به فارسی
۷	۷	شناخت و کاربرد قواعد
۲	۲	درک و فهم
۲۰	۲۰	جمع

صفحه  
نوبت  
آزمون  
پاسخ‌نامه

۳۴	۳	اول (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۱
۳۵	۵	اول (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۲
۳۶	۷	اول (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۳
۳۷	۹	اول (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۴
۳۸	۱۲	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۵ نهایی خرداد ۹۸
۳۹	۱۵	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۶ نهایی شهریور ۹۸
۴۰	۱۸	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۷ نهایی دی ۹۸
۴۲	۲۱	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	آزمون شماره ۸ نهایی دی ۹۹
۴۳	۲۴	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۹ نهایی خرداد ۱۴۰۰
۴۵	۲۶	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۱۰ نهایی شهریور ۱۴۰۰
۴۶	۲۸	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۱۱ نهایی خرداد ۹۹
۴۸	۳۱	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	آزمون شماره ۱۲ نهایی شهریور ۹۹

۵۰

درس‌نامه توپ برای شب امتحان

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه دوازدهم	عربی، زبان قرآن (۳)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	شماره
	<b>درس اول</b>						
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ. الف) فَفَرُّ يَعْلَمُ وَ لَا تَطْلُبُ بِهِ بَدَلًا. ب) بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ	هَلْ يَسْوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ	۰/۵				
۲	أَكْتُبْ جَمْعَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ. أ تَزْعَمُ أَنْتَكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ	وَ فِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ	۰/۲۵				
۳	إِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. الف) ﴿ وَ لَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ... ﴾	دو تا گزینه رو با هم قیاس کن، بعد از پیدا کردن اختلاف، به صورت عبارت تویه کن.	۰/۵	<input type="checkbox"/> ۱) سخنشان تو را غمگین نمی کند؛ زیرا همه ارجمندی را خدا دارد. <input type="checkbox"/> ۲) گفتارشان تو را نباید اندوهگین کند؛ زیرا ارجمندی همه برای خداست. ب) ﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بِنِيَانٍ مَرْصُوصٌ ﴾ <input type="checkbox"/> ۱) همانا خداوند کسانی را که در راهش گروهی می جنگند دوست می دارد، گویا آن‌ها ساختمانی استوار هستند. <input type="checkbox"/> ۲) قطعاً خداوند هر کسی را که در مسیرش گروهی جنگ کرده است دوست می دارد، انگار آن‌ها ساختمان استوار هستند.			
۴	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمَلِ: الف) ﴿ ... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ... ﴾ ب) ﴿ إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ ج) ﴿ ... رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ... ﴾ د) لَا تَجْتَمِعْ حَضَلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْرُ ه) ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ﴾ و) لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِيعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا! لِأَنَّ الرَّبِيعَ قَصِيرٌ هُنَا.		۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۱ ۱				
۵	عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ. الف) ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾ ب) يَا رِزَاقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ وَ يَا مَالِكَِ يَوْمِ الدِّينِ.	وزن کلمات رو پیدا کن.	۰/۵				
۶	عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ عَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. x ✓ الف) التَّفَاخُرُ بِالنَّسَبِ مَحْمُودٌ. .... ب) طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجُهَالِ يُشْبِهُ الْمَيِّتِ. ....	عبارت‌ها ساده‌اند، پس ترجمه کن تا جواب مشخص بشه!	۰/۵				
	<b>درس دوم</b>						
۷	أَكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطٌّ. إِنْفَجَرَتِ الْأَرْضُ فِي تِلْكَ الْقِنَاةِ بِمَقْدَارٍ مِنَ الدِّينَامِيْتِ بَلَغَ خَمْسَةَ أَطْنَانٍ.		۰/۲۵				
۸	كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. الف) يَسْتَفِيدُ الْمُهَنْدِسُونَ مِنَ الدِّينَامِيْتِ لِحَفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقَنْوَاتِ وَ إِنْشَاءِ الطَّرِيقِ. مهندسان از دینامیت برای کندن ..... و ..... کانال‌ها و ..... راه‌ها استفاده می کنند. ب) نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعُقُلِ وَ قُبْحِ الزَّلْزَلِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ. از ..... خرد و زشتی ..... به خدا پناه می بریم و از او .....		۱/۵				
۹	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمَلِ: الف) مَنْ أَذْتَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ، دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي. ب) عَمِلَ الْفَرْدُ عَلَى تَطْوِيرِ تِلْكَ الْمَادَّةِ مُجَدِّدًا. ج) ﴿ ... إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴾		۱ ۱ ۰/۷۵				

ردیف	آزمون شماره ۱	عربی، زبان قرآن (۳)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نوبت اول پایه دوازدهم	نمره	
۱۰	عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ ﴿ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴾ (الف) الْمُطْمَئِنَّةُ: (ب) إِرْجِعِي: (ج) رَاضِيَةً: (د) أُنْتِ	۱) اسم - مؤنث - معرفه - مفرد/ صفت ۲) اسم - مؤنث - معرفه/ مضاف إليه ۳) فعل ماضی - ثلاثی مزید - سوم شخص مؤنث/ فاعل آن «أنتِ» ۴) اسم - نکره - مذکر - مفعول	۱) اسم - مؤنث - معرفه - مفرد/ صفت ۲) اسم - مؤنث - معرفه/ مضاف إليه ۳) فعل ماضی - ثلاثی مزید - سوم شخص مؤنث/ فاعل آن «أنتِ» ۴) اسم - نکره - مذکر - مفعول	۱) اسم - مؤنث - معرفه - مفرد/ صفت ۲) اسم - مؤنث - معرفه/ مضاف إليه ۳) فعل ماضی - ثلاثی مزید - سوم شخص مؤنث/ فاعل آن «أنتِ» ۴) اسم - نکره - مذکر - مفعول	۱) اسم - مؤنث - معرفه - مفرد/ صفت ۲) اسم - مؤنث - معرفه/ مضاف إليه ۳) فعل ماضی - ثلاثی مزید - سوم شخص مؤنث/ فاعل آن «أنتِ» ۴) اسم - نکره - مذکر - مفعول	من اگر های شما باشم از نقش (المقل الإعرابی) شروع می‌کنم.	۰/۷۵	
۱۱	صَعَّ فِي التَّرْتِيعِ الْعَدَدَ الْأَمْنَابِ «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً». (۱) الطَّيْنِ (۲) جِزَاءُ الْأَمَانِ (۳) الْجِرَادَةُ	۱) الطَّيْنِ ۲) جِزَاءُ الْأَمَانِ ۳) الْجِرَادَةُ	۱) الطَّيْنِ ۲) جِزَاءُ الْأَمَانِ ۳) الْجِرَادَةُ	۱) الطَّيْنِ ۲) جِزَاءُ الْأَمَانِ ۳) الْجِرَادَةُ	۱) الطَّيْنِ ۲) جِزَاءُ الْأَمَانِ ۳) الْجِرَادَةُ	با دقت به کلمه اول عبارات، می‌تونی واژه مناسبش رو حدس بزنی.	۰/۵	
۱۲	مَيَّزَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (۱) المفعول المطلق و نوعه (۲) المضاف إليه (۳) الحال (۴) المستثنى (۵) اسم الحرف المشبهة بالفعل إذا أَرَدْتُمْ أَنْ تَنْجَحُوا فِي عَمَلِكُمْ فَتَقَوُّوا بِهِ مَتَوَكِّلِينَ. ﴿ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴾ يَتَامُ هَذَا السَّمَكُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ.	۱) المفعول المطلق و نوعه ۲) المضاف إليه ۳) الحال ۴) المستثنى ۵) اسم الحرف المشبهة بالفعل	۱) المفعول المطلق و نوعه ۲) المضاف إليه ۳) الحال ۴) المستثنى ۵) اسم الحرف المشبهة بالفعل	۱) المفعول المطلق و نوعه ۲) المضاف إليه ۳) الحال ۴) المستثنى ۵) اسم الحرف المشبهة بالفعل	۱) المفعول المطلق و نوعه ۲) المضاف إليه ۳) الحال ۴) المستثنى ۵) اسم الحرف المشبهة بالفعل	به حرکات و جایگاه هر نقش در جمله توجه کنید.	۱/۷۵	
<b>درس سوم</b>								
۱۳	أَكْتَبَ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. (الف) ..... = ..... (ب) ..... ≠ .....	الف) ..... = ..... ب) ..... ≠ .....	الف) ..... = ..... ب) ..... ≠ .....	الف) ..... = ..... ب) ..... ≠ .....	الف) ..... = ..... ب) ..... ≠ .....	اگر متضاد و مترادفها رو فقط نیستی، ترجمه کن تا جواب رو به دست بیاری.	۰/۵	
۱۴	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى. □ اليافع □ الطفل □ المعزز □ الشئخ	□ اليافع □ الطفل □ المعزز □ الشئخ	□ اليافع □ الطفل □ المعزز □ الشئخ	□ اليافع □ الطفل □ المعزز □ الشئخ	□ اليافع □ الطفل □ المعزز □ الشئخ	کلمات هماهنگ، در یک ویژگی یا هم یکسان هستند.	۰/۲۵	
۱۵	تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ. (الف) يا صديقي، لا تقل كلاماً إلا الحقَّ أبداً. (ب) ﴿ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... ﴾	تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ. (الف) يا صديقي، لا تقل كلاماً إلا الحقَّ أبداً. (ب) ﴿ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... ﴾	تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ. (الف) يا صديقي، لا تقل كلاماً إلا الحقَّ أبداً. (ب) ﴿ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... ﴾	تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ. (الف) يا صديقي، لا تقل كلاماً إلا الحقَّ أبداً. (ب) ﴿ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... ﴾	تَرْجِمِ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ. (الف) يا صديقي، لا تقل كلاماً إلا الحقَّ أبداً. (ب) ﴿ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... ﴾		۰/۷۵	
۱۶	خَيَّرَهَا رَسُولُ اللَّهِ بَيْنَ الْإِقَامَةِ مَعَهُ مُعَزَّزَةً أَوْ الْعُودَةِ إِلَىٰ قَوْمِهَا. فرستاده خدا او را میان ..... همراهِ او ..... یا ..... به سوی قومش ..... .	فرستاده خدا او را میان ..... همراهِ او ..... یا ..... به سوی قومش ..... .	فرستاده خدا او را میان ..... همراهِ او ..... یا ..... به سوی قومش ..... .	فرستاده خدا او را میان ..... همراهِ او ..... یا ..... به سوی قومش ..... .	فرستاده خدا او را میان ..... همراهِ او ..... یا ..... به سوی قومش ..... .		۱	
<b>ترکیبی</b>								
۱۷	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: (ذُؤَب - طُنْ - أَعْتَقَ - فَظَّ - رِءَاءُ) (۱) جَعَلَهُ حُرًّا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ: ..... (۲) الَّذِي يَسْعَى فِي إِجْزَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ: ..... (۳) قِطْعَةٌ مِنَ قِمَاشٍ يَلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ، كَالْعِبَاءَةِ: ..... (۴) وَزَنٌ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُو غَرَامٍ: .....	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: (ذُؤَب - طُنْ - أَعْتَقَ - فَظَّ - رِءَاءُ) (۱) جَعَلَهُ حُرًّا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ: ..... (۲) الَّذِي يَسْعَى فِي إِجْزَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ: ..... (۳) قِطْعَةٌ مِنَ قِمَاشٍ يَلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ، كَالْعِبَاءَةِ: ..... (۴) وَزَنٌ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُو غَرَامٍ: .....	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: (ذُؤَب - طُنْ - أَعْتَقَ - فَظَّ - رِءَاءُ) (۱) جَعَلَهُ حُرًّا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ: ..... (۲) الَّذِي يَسْعَى فِي إِجْزَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ: ..... (۳) قِطْعَةٌ مِنَ قِمَاشٍ يَلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ، كَالْعِبَاءَةِ: ..... (۴) وَزَنٌ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُو غَرَامٍ: .....	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: (ذُؤَب - طُنْ - أَعْتَقَ - فَظَّ - رِءَاءُ) (۱) جَعَلَهُ حُرًّا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ: ..... (۲) الَّذِي يَسْعَى فِي إِجْزَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ: ..... (۳) قِطْعَةٌ مِنَ قِمَاشٍ يَلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ، كَالْعِبَاءَةِ: ..... (۴) وَزَنٌ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُو غَرَامٍ: .....	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: (ذُؤَب - طُنْ - أَعْتَقَ - فَظَّ - رِءَاءُ) (۱) جَعَلَهُ حُرًّا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ: ..... (۲) الَّذِي يَسْعَى فِي إِجْزَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ: ..... (۳) قِطْعَةٌ مِنَ قِمَاشٍ يَلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ، كَالْعِبَاءَةِ: ..... (۴) وَزَنٌ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُو غَرَامٍ: .....	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: (ذُؤَب - طُنْ - أَعْتَقَ - فَظَّ - رِءَاءُ) (۱) جَعَلَهُ حُرًّا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ: ..... (۲) الَّذِي يَسْعَى فِي إِجْزَازِ عَمَلِهِ، وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ: ..... (۳) قِطْعَةٌ مِنَ قِمَاشٍ يَلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِيسِ، كَالْعِبَاءَةِ: ..... (۴) وَزَنٌ يُعَادِلُ أَلْفَ كِيلُو غَرَامٍ: .....	یکی دو تا کلمه اول هر عبارت، مهم‌ترین بخش برای رسیدن به پوایه!	۱
۱۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. (الف) لِنُغْرُسِ أَشْجَارًا لِيَكِي يَأْكُلُ مِنْ ثَمَارِهَا الْآخَرُونَ. (ج) كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَسَّعُ.	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. (الف) لِنُغْرُسِ أَشْجَارًا لِيَكِي يَأْكُلُ مِنْ ثَمَارِهَا الْآخَرُونَ. (ج) كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَسَّعُ.	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. (الف) لِنُغْرُسِ أَشْجَارًا لِيَكِي يَأْكُلُ مِنْ ثَمَارِهَا الْآخَرُونَ. (ج) كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَسَّعُ.	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. (الف) لِنُغْرُسِ أَشْجَارًا لِيَكِي يَأْكُلُ مِنْ ثَمَارِهَا الْآخَرُونَ. (ج) كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَسَّعُ.	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. (الف) لِنُغْرُسِ أَشْجَارًا لِيَكِي يَأْكُلُ مِنْ ثَمَارِهَا الْآخَرُونَ. (ج) كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءُ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَسَّعُ.	هواستون به نوع فعل، صیغه فعل و بقیه ریزه‌کاری‌ها باشه. (ب) عِنْدَمَا دَخَلَ عَلِيٌّ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ أَجْلَسَهُ النَّبِيُّ ﷺ عِنْدَهُ.	۱	
۲۰	موفق باشید	جمع نمرات						

ردیف	عربی، زبان قرآن (۳)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
نمره	آزمون شماره ۹			نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۰
۱	<p>ترجم الكلمات التي تحتها خطاً:</p> <p>(الف) خُلِقُوا مِنْ نُحَاسٍ:</p> <p>(ج) ثُمَّ رَاحَ نَحْوَ وَالْيَدِ:</p> <p>(ب) واصل الْفَرْدُ عَمَلَهُ دَوْباً:</p> <p>(د) إِنَّكَ تَعَدَّيْتِ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ:</p>			
۰/۵	<p>عَيَّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادَفَ:</p> <p>الْمُزَارِع - الذَّاء - راقِب - الْفَلَّاح - اِطَّلَعَ - الصَّحَّة</p> <p>(الف) ..... = ..... (ب) ..... ≠ .....</p>			
۰/۵	<p>(الف) عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى:</p> <p>الْفَشْر <input type="checkbox"/> الْفَطْر <input type="checkbox"/> الْفُضْن <input type="checkbox"/> الْفُضْن <input type="checkbox"/> الْفُضْن <input type="checkbox"/></p> <p>(ب) أُكْتُبَ مُفْرَدَ الْكَلِمَةِ: «هذه المَطَاعِمُ في المدينة كثيرة»:</p>			
۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵	<p>ترجم العبارات إلى الفارسية:</p> <p>(الف) ﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴾</p> <p>(ب) ﴿ إِنَّا لَا نَضْبِغُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴾</p> <p>(ج) وَ قَدَّرَ كُلُّ أَمْرٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَ لِلرَّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ.</p> <p>(د) شَعَرَ نَوِيلَ بِالذَّنْبِ وَ يَخْبِيَةُ الْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْعُنْوَانِ وَ بَقِيَ حَزِينًا.</p> <p>(ه) أَعْتَقَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ الشَّيْمَاءَ وَ أَرْسَلَهَا إِلَى قَوْمِهَا بِإِعْزَازٍ.</p> <p>(و) مَا شَاهَدَ أَنْوَشِرَوَانَ فِي الطَّرِيقِ إِلَّا عَجُوزًا يَغْرِسُ فَسِيلَةَ جُوزٍ.</p> <p>(ز) قَدْ اسْتَفَادَ الْإِنْسَانُ مِنَ الدِّيْنَامِيْتِ وَ سَهَّلَ أَعْمَالَهُ الصَّعْبَةَ فِي خَفْرِ الْأَنْفَاقِ.</p> <p>(ح) هَجَمَتِ الْبُومَاتُ عَلَى الْأَفْرَاحِ هُجُومًا.</p> <p>(ط) إِيجَادُ التَّنْفِيَّاتِ الصَّنَاعِيَّةِ مِنْ مُهَدَّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ.</p> <p>(ي) يَا إِلَهِي! وِإِمْلَأِ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلَّ الْجِهَاتِ.</p> <p>(ك) دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ مَا تُبْصِرُ.</p> <p>(ل) رَاقِبِ الْخَبِيرِ الْمَزْرَعَةَ مُرَاقِبَةً شَدِيدَةً.</p>			
۱	<p>عَيَّنِ نَوْعَ الْكَلِمَاتِ: (۱) إِسْمُ الْفَاعِلِ (۲) إِسْمُ الْمَفْعُولِ (۳) اِسْمُ التَّفْضِيلِ (۴) إِسْمُ الْمَبَالِغَةِ</p> <p>« يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ! يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجُورِ عَلَى الْمَظْلُومِ »</p>			
۰/۵	<p>إِنْتِخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:</p> <p>(الف) أَشَاهِدُ قَاسِمًا وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ:</p> <p><input type="checkbox"/> (۱) قاسم را دیدم، در حالی که میان دو درخت نشسته بود.</p> <p><input type="checkbox"/> (۲) قاسم را می بینم، در حالی که میان دو درخت نشسته است.</p> <p>(ب) تَجْتَهُدُ الْأُمُّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْعَا:</p> <p><input type="checkbox"/> (۱) مادر برای تربیت فرزندش تلاش می کند.</p> <p><input type="checkbox"/> (۲) مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می کند.</p>			
۰/۵	<p>عَيَّنِ الصَّحِيحَ:</p> <p>(الف) ..... خَصَلْتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْدُ. (لا يَجْتَمِعُ - لا يَجْتَمِعَان - لا تَجْتَمِعُ)</p> <p>(ب) الْآلَاعِبُونَ الْإِيرَانِيُّونَ ..... مِنَ الْمُسَابِقَةِ مُبْتَسِمِينَ. (رَجَعُوا - رَجَع - رَجَعْتُمْ)</p>			
۱	<p>كَمَّلِ الْفَرَاعَ بِالتَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:</p> <p>(الف) الْمُغُولُ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجُمُوا عَلَى الصِّينِ.</p> <p>مغولها ..... به چین ..... .</p> <p>(ب) بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ يَسُوئُ لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ؟</p> <p>بلکه آنان را می بینی از گلی ..... آیا به جز گوشت و ..... و پی اند؟</p>			

رقم	عربي، زبان قرآن (٣)	رشته: ادبيات و علوم انساني	زمان آزمون: ٩٠ دقيقه	kheilisabz.com	شماره
ردیف	آزمون شماره ٩	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ١٤٠٠			
٩	عَيْنَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: الف) ﴿ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ ﴾ ب) هَذَا السَّمَكُ يَخْرُجُ مِنَ الْغُلَافِ خُرُوجًا عَجِيبًا. ج) لَا شَيْءَ أَحْسَنَ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقَدَرَةِ.	١/٢٥			
١٠	مَيِّزُ أَسْلُوبِ الْحَصْرِ: ١) ﴿ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ ﴾ ٢) ﴿ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ ﴾	٠/٢٥			
١١	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ: الف) قَاتِلٌ: جَنجِيدٌ ب) أَرْسَلٌ: فَرَسْتَادٌ ١) لَا يُقَاتِلُ صَدِيقَهُ: ٢) لَمْ تُرْسِلْ هَذِهِ الرِّسَالَةَ: ٣) قَاتِلُ الْأَعْدَاءِ: ٣) لَمْ تُرْسِلْهُمْ إِلَّا مُبَشِّرِينَ:	١/٥			
١٢	مَيِّزُ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (١) الْمَسْتَشْنَى وَالْمَسْتَشْنَى مِنْهُ (٢) الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ وَنَوْعُهُ (٣) الْحَالُ (٤) الْمُنَادَى ﴿ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ﴾ / يُطِيرُ الطَّائِرُ طَيْرًا سَرِيعًا / اِسْتَقَلَّ الْفَلَّاحُونَ فِي الْمَرْعَةِ نَشِيطِينَ إِلَّا مَنْصُورًا.	١/٥			
١٣	عَيْنَ الْكَلِمَةِ الصَّحِيحَةِ لِلْعِبَارَاتِ: «الْعُجُوزُ / الدُّوْبُ / التَّسْمَةُ / الْعُودَةُ / الْفَأْرَةُ / الْمُؤَلِّمُ» الف) ضَجِكَ خَفِيفٌ بِلا صَوْتٍ. ب) حَيَوَانٌ صَغِيرٌ يَعِيشُ تَحْتَ الْأَرْضِ يَنْقُلُ دَاءَ الطَّاعُونَ. ج) الرَّجُلُ أَوْ الْمَرْأَةُ الْكَبِيرَةُ فِي السَّنِّ. د) الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ.	١			
١٤	عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. الف) لَا تُطْعِمُوا: ١) فِعْلٌ نَهْيٌ، جَمْعٌ مَذَكَّرٌ مَخَاطَبٌ، ثَلَاثِيٌّ مَزِيدٌ، مَعْلُومٌ، مُعْرَبٌ / فِعْلٌ وَ الْجَمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ ٢) فِعْلٌ نَهْيٌ، مُفْرَدٌ مَذَكَّرٌ مَخَاطَبٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجْرَدٌ، مَعْلُومٌ، مَبْنِيٌّ / فِعْلٌ وَ فَاعِلٌ ب) الْمَسَاكِينُ: ١) اسْمٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٌ، اسْمٌ فَاعِلٌ، نَكْرَةٌ، مَبْنِيٌّ / فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ ٢) اسْمٌ، جَمْعٌ تَكْسِيرٌ وَ مُفْرَدَةٌ «مَسْكِينٌ»، مُعْرَفٌ بِأَلٍ / مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ	٠/٥			
١٥	إِقْرَأِ النَّصُوصَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: «يَتِيمُ التَّوَارُثُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وَجُودِ زَوَابِطِ مُتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ وَ بَيْنَتِيهَا، وَ لَكِنْ ظَلَمَ الْإِنْسَانُ الطَّبِيعَةَ وَ تَدَخَّلَ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى اخْتِلَالِ هَذَا التَّوَارُثِ.» «بَنَى الْفَرْدُ مَوْسَسَةً لِمَنْحِ الْجَوَائِزِ الشَّهِيرَةِ وَ مَنَحَ ثَرَوَتَهُ لِشِرَاءِ الْجَوَائِزِ الدَّهْبِيَّةِ.» الف) مِمَّ يَتِيمُ التَّوَارُثُ فِي الطَّبِيعَةِ؟ ب) إِلَى مَا يُؤَدِّي تَدَخُّلُ الْإِنْسَانِ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ؟ ج) لِمَاذَا بَنَى الْفَرْدُ مَوْسَسَةً؟ د) مَا مَنَحَ الْفَرْدُ لِشِرَاءِ الْجَوَائِزِ الدَّهْبِيَّةِ؟	١			
٢٠	موفق باشيد	جمع نمرات			

# پاسخ‌نامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- الف) پس به کمک دانشی رستگار شو و برای آن جایگزینی نخواه.

ب) بلکه آن‌ها را می‌بینی که از گلی آفریده شده‌اند / آیا به‌جز گوشت و استخوان و بی هستند؟

۲- آیا می‌نداری تو چیز کوچکی هستی / حال آن‌که جهان بزرگ‌تر در تو به هم پیچیده شده است.

چژم ← جمع (بیکرها)

۳- الف) گزینۀ «۲»؛ فعل «لَا يَخْزُنُ» به این علت که حرف آخرش مجزوم (مُ) شده، فعل نهی است و در ترجمۀ فعل نهی غایب از کلمۀ «نباید» استفاده می‌کنیم، ولی در گزینۀ (۱) به صورت مضارع منفی ترجمه شده است.

ب) گزینۀ «۱»؛ کلمۀ «الَّذِينَ» به معنای کسانی که در گزینۀ (۲) نادرست ترجمه شده است و فعل «يَقَاتِلُونَ» مضارع است، در حالی که در همین گزینۀ به صورت ماضی نقلی ترجمه شده است و این‌که «بِنِيَانٍ مَرصُوصٍ» ترکیب وصفی و نکره است که در گزینۀ (۲) به صورت معرفه معنا شده است.

۴- الف) «... هیچ دانشی نداریم، جز آن‌چه به ما آموختی...»

عَلَّمْتُ: فعل ماضی از باب «تفعیل» است.

ب) «همانا ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، شاید شما بیندیشید.»

لَعَلَّ + تَعْقِلُونَ: معادل «مضارع التزامی» است.

ج) «... پروردگارا و آن‌چه را به آن هیچ نیرویی نداریم به ما تحمیل نکن...»  
لَا تُحْمَلْ: فعل نهی از باب «تفعیل» است.

د) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خساست و دروغ.

لَا تَجْتَمِعْ: فعل مضارع منفی از باب «افتعال» است.

ه) هیچ اجباری در دین نیست.

و) کاش فصل بهار در کشور ما طولانی باشد! زیرا این‌جا بهار کوتاه است.

۵- الف) «قطعاً خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.»

«الْمُحْسِنِينَ» در ابتدایش حرف «مُ» و حرکت حرف ماقبل آخرش (ی) است.

← اسم فاعل

ب) ای بسیار روزی‌دهنده هر روزی داده‌شده‌ای و ای فرمانروای روز قیامت.

«رَزَّاقٍ» بر وزن «فَعَالٍ» است ← اسم مبالغه

«مَرْزُوقٍ» بر وزن «مَفْعُولٍ» است ← اسم مفعول

«مَالِكٍ» بر وزن «فَاعِلٍ» است ← اسم فاعل

۶- الف) فخر فروشی به اصل و نسب (دودمان) پسندیده است. (۴)

ب) خواهان دانش میان افراد نادان به مرده شبیه است. (۴)

۷- زمین در آن کانال با بیش از پنج تُن دینامیت منفجر شد.

اُطْنَانٍ ← مفرد (تُن)

۸- الف) مهندسان از دینامیت برای کندن تونل‌ها و شکافتن کانال‌ها و ایجاد کردن راه‌ها استفاده می‌کنند.

ب) از به خواب رفتن خرد و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم و از او یاری می‌جوییم.

۹- الف) هر کس گناه کند، در حالی که می‌خندد، وارد آتش می‌شود در حالی که گریه می‌کند.

أَذْتَبْ: فعل ماضی از باب «إفعال» است. / يَضْحَكُ - يَبْكِي: فعل مضارع است.

ب) آلفرد تلاشگرانه، بهینه‌سازی آن ماده را انجام داد.

ج) «همانا ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است، تباه نمی‌کنیم.»

لَا تُضَيِّعْ: فعل مضارع منفی است. / أَحْسَنَ: فعل ماضی از باب «إفعال» است.

۱۰- الف) الْمُطْمَئِنَّةُ: گزینۀ «۱»

چون «ال» دارد اسم است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / «ال» دارد معرفه است. / چون ویژگی «النَّفْسُ» را بیان می‌کند، صفت آن محسوب می‌شود.

نکته: «النَّفْسُ» مؤنث معنوی است (یعنی ظاهر مؤنث ندارد، اما در معنا مؤنث است)، به همین منظور «الْمُطْمَئِنَّةُ» که صفت آن است مؤنث می‌باشد.

ب) اِرْجَعِي: گزینۀ «۲»

از ظاهر فعل مشخص است که اول آن «الف» اضافه شده است و آخر آن «مجزوم» است، بنابراین «فعل امر» است. / با توجه به شناسه «ی»، دوم شخص مفرد مؤنث می‌باشد. / فعل «اِرْجَعِي» شناسه «ی» دارد که فاعلش محسوب می‌شود.

ج) راضِيَةٌ: گزینۀ «۲»

چون تنوین دارد، اسم و نکره است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / به دلیل این‌که حالت «النَّفْسُ» را بیان می‌کند و هم تنوین «ة» دارد و هم این‌که مانند «النَّفْسُ» مفرد مؤنث است «حال» می‌باشد.

۱۱- الف) حشره‌ای که محصول‌های کشاورزی را می‌خورد و می‌تواند یک متر بپرد.

(۳) ← اَلْجَرَادَةُ: ملخ

ب) خاکی که با آب مخلوط است و گاهی به آن نامیده می‌شود، اگرچه رطوبت از آن برود.  
(۱) ← اَلطِّينُ: گل

۱۲- (۱) مفعول مطلق: تَوَمَّأَ (زیرا مصدری نکره و منصوب از فعل جمله است).

نوع آن: نوعی (زیرا بعد از مفعول مطلق، صفت آمده است).

۲) مضاف‌الیه: کم (زیرا ضمیر کم به یک اسم (عَمَلِي) متصل شده است). / شیء (زیرا قبل از آن اسمی بدون (ال و تنوین) قرار گرفته است).

۳) حال: مَتَوَكِّلِينَ (زیرا اسمی نکره منصوب و مشتق (اسم فاعل) می‌باشد و حالت را بیان می‌کند).

۴) مستثنی: العِلْمُ (زیرا اسمی است که بعد از اِلَّا آمده است).

۵) اسم حرف مشبّهة بالفعل: اَلْعَهْدُ (زیرا بعد از اِنَّ قرار گرفته است).

۱۳- الف) اَلْفُسَيْلَةَ = اَلغُرْسُ (نهال) (ب) راح (رفت) ⇄ جاء (آمد)

۱۴-  جوان کم‌سال  کودک  گرمای  پیرمرد

«اَلْمُعَرَّزُ» صفت است و بقیه کلمات، اشاره به دوره‌های مختلف سنی انسان دارد.

۱۵- الف) ای دوستم؛ هرگز سخنی جز حق نگو.

لَا تَقُلْ: فعل نهی است.

ب) «همانا انسان در زیان است، جز کسانی که ایمان آورده‌اند و کار شایسته انجام دادند.»  
آمنوا: فعل ماضی است. / عَمِلُوا: فعل ماضی است.

۱۶- فرستاده خدا او را میان ماندن همراه او با عزت یا برگشت به سوی قومش اختیار داد.

۱۷- (۱) او را آزاد قرار داد و از بندگی خارجش کرد: اَعْتَقَ: آزاد کرد

(۲) کسی که در تمام کردن کارش تلاش می‌کند و احساس خستگی نمی‌کند: دؤوب: با پشتکار

(۳) تکه‌ای پارچه که روی لباس‌ها می‌پوشند، مانند عباء: رداء (روپوش بلند)

(۴) وزنی معادل هزار کیلوگرم: طُنُّ (تُن)

۱۸- الف) درختانی را باید بکاریم، تا دیگران از میوه‌هایش بخورند.

لِ + نَعْرُسُ ← لِنَعْرُسَ: فعل امر اول شخص جمع است.

لِکِی + یَأْكُلُ ← لِکِی یَأْكُلُ: تا بخورد.

ب) هنگامی که علی علیه السلام در مسجد وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله او را نزد خودش نشانید.

أَجْلَسَ: فعل ماضی از باب «إفعال» است.



ج) هر طرفی با آن چه در آن قرار داده شده است، تنگ می‌شود، جز ظرف دانش؛ زیرا با آن فراخ می‌شود.  
بِتَّسِعُ: فعل مضارع از باب «إفتعال» است.

### آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- الف) از مس آفریده شد. (ب) آلفرد کارش را با پشتکار ادامه داد.  
 ج) سپس سمت پدرش رفت. (د) تو به نظام طبیعت دست‌درازی کردی.
- ۲- کشاورز - بیماری - مراقبت کرد - کشاورز - آگاهی یافت - سلامتی  
 الف) الْمَزَارِعُ = الْفَلَّاحُ (کشاورز) (ب) أَلْدَاءُ (بیماری) ≠ الْأَصْحَاءُ (سلامتی)
- ۳- الف)  پوست  تندخو  تنه  شاخه  
 به غیر از کلمه «الْفَطَّ» بقیه گزینه‌ها به درخت مرتبط هستند.  
 ب) این رستوران‌ها در شهر بسیار است.  
 مَطَاعِمٌ ← مفرد مَطْعَم (رستوران)
- ۴- الف) «پروردگارا، مرا و فرزندانم را برپادارنده نماز قرار بده، پروردگارا دعایم را بپذیر.»  
 إجْعَلْ: فعل امر است.  
 تَقَبَّلْ: فعل امر از باب «تَفَعَّلَ» است.  
 ب) «همانا ما پاداش کسی که کاری را نیکو انجام داده است، تباہ نمی‌کنیم.»  
 لَا تُضَيِّعْ: فعل مضارع منفی است.  
 ج) و ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد و مردان به واسطه کارها نام‌هایی (شهرتی) دارند.  
 کَانَ يُحْسِنُ: معادل ماضی استمراری است.  
 د) نوبل از این عنوان احساس گناه و ناامیدی کرد و ناراحت باقی ماند.  
 شَعَرَ: فعل ماضی است.  
 بَقِيَ: فعل ماضی است.  
 ه) فرستاده خدا ﷺ شیما را آزاد کرد و او را با عزت نزد قومش فرستاد.  
 أُعْتِقَ: فعل ماضی از باب «إِفْعَال» است.  
 أُرْسِلَ: فعل ماضی از باب «إِفْعَال» است.  
 و) انوشیروان در راه فقط پیرمردی را دید که نهال گردویی می‌کاشت.  
 شَاهَدَ: فعل ماضی از باب «مِفَاعَلَة» است.  
 يُعْرِشُ: فعل مضارع است و چون در عبارت نقش صفت از نوع جمله وصفیه دارد به کمک فعل قبلی به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.  
 این عبارت اسلوب حصر می‌باشد و به همین خاطر به صورت مثبت ترجمه شده است.  
 ز) انسان از دینامیت استفاده کرده است و کارهای سختش را در کندن تونل‌ها آسان کرده است.



قَدْ اسْتَفَاذَ: معادل ماضی نقلی است.

سَهَّلَ: فعل ماضی است. به این علت که به فعل قبل عطف شده باید به صورت ماضی نقلی ترجمه شود.

(ج) جغدها به جوجه‌ها بدون شک حمله کردند.

هَجَمْتُ: فعل ماضی است.

هجوماً: مفعول مطلق تأکیدی است.

(ط) ایجاد زباله‌های صنعتی از تهدیدکنندگان طبیعت است.

(ی) ای خدای من! دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهتها پر کن.

إِمْلَأْ: فعل امر است.

(ک) داروی تو در توس و نمی‌بینی.

مَا تُبْصِرُ: فعل مضارع منفی است.

(ل) کارشناس از مزرعه به شدت مراقبت کرد.

رَاقِبٌ: فعل ماضی از باب «مُفَاعَلَةٌ» است.

مُرَاقِبَةٌ: مفعول مطلق نوعی است.

۵- یا غَفَّارِ الذُّنُوبِ. (ای بسیار آمرزنده گناهان)

اسم مبالغه

يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ.

اسم مفعول	اسم	اسم	اسم
		تفضیل	فاعل

(روز عدالت برای ستمکار سخت‌تر از روز بی‌انصافی برای ستمدیده است.)

(۱) اسم الفاعل: الظالم (بر وزن فاعل از ثلاثی مجزء)

(۲) اسم المفعول: المظلوم (بر وزن مفعول از ثلاثی مجزء)

(۳) اسم التفضیل: أَشَدُّ (بر وزن أَفْعَلُ (أَفْعَلٌ))

(۴) اسم المبالغه: غَفَّارِ (بر وزن فَعَّال)

۶- الف) گزینه «۲»: فعل مضارع «أشاهد» در گزینه (۱) به صورت ماضی ترجمه شده است.

ب) گزینه «۲»: کلمه «اولاد» جمع مکسر «ولد» است که در گزینه (۱) به صورت مفرد ترجمه شده و در همین گزینه کلمه «بالغا» که صفت برای مفعول مطلق عبارت است،

ترجمه نشده است.

۷- الف) دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خسیس بودن و دروغگویی.

لا تَجْتَمِعُ

فاعل جمله «حَضَلْتَانِ» مثنای مؤنث است، ولی باید یادمان باشد که فعل ماضی و مضارع

در ابتدای جمله به صورت مفرد به کار می‌رود، بنابراین ما به فعل مفرد مؤنث نیاز داریم

که «لا تَجْتَمِعُ» درست است.

ب) بازیکنان ایرانی با لبخند از مسابقه بازگشتند.

رَجَعُوا

«رَجَعْتُمْ» برگشتید» با معنای جمله هماهنگ نیست و «رَجَعَ» برگشت» نیز مفرد است و

با «اللّاعبون» هماهنگ نیست. بنابراین «رَجَعُوا» فعل مناسب برای این عبارت محسوب

می‌شود.

۸- الف) مغول‌ها توانستند به چین حمله کنند.

ب) بلکه آنان را می‌بینی از گلی آفریده شدند، آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟

۹- الف) «یا عِبَادِی الذِّینَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِی وَاسِعَةٌ»

منادا	فهر حروف مشبّهة بالفعل
-------	------------------------

(ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، همانا زمین من گسترده است.)

عباد: اسم بعد از حرف ندای «یا» منادا می‌باشد.

إِنَّ از حروف مشبّهة بالفعل است، «أَرْضِ» اسم آن و «وَاسِعَةٌ» خبرش محسوب می‌شود.

ب) هَذَا السَّمَكُ يَخْرُجُ مِنَ الْغُلَافِ خُرُوجاً عَجِيباً.

مبتدا	صفت
-------	-----

(این ماهی از پوشش شگفت‌انگیز خارج می‌شود.)

جمله با اسم اشاره «هَذَا» شروع شده، بنابراین «هَذَا» مبتدا است.

کلمه «عَجِيباً» از هر لحاظ شبیه اسم قبل از خودش است، بنابراین صفت آن محسوب می‌شود.

ج) لَا شَيْءَ أَحْسَنَ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.

اسم لای نفی پیش جار و مبرور مضاف‌الیه

(هیچ چیزی نیکوتر از بخشش هنگام قدرت نیست.)

همیشه بعد از «لَا»ی نفی جنس اسمی می‌آید که «ال» و تنوین ندارد و همیشه مفتوح

(ـَ) است.

«مِنَ» از حروف جر است و با اسم بعد از خودش «الْعَفْوُ» جار و مبرور می‌باشد.

«الْقُدْرَةُ» مجرور شده و با توجه به کلمه قبلش که اسمی بدون ال و تنوین است،

«مضاف‌الیه» می‌باشد.

۱۰- گزینه «۲»: در گزینه (۱) جمله قبل از «إِلَّا» مثبت است، بنابراین جمله اسلوب

استثناء است. ولی در گزینه (۲) هم جمله قبل «إِلَّا» منفی است و هم مستثنی‌منه

محدوف است، بنابراین اسلوب حصر می‌باشد.

۱۱- الف) (۱) با دوستش نباید بجنگد. (لا يُقَاتِلُ: فعل نهی سوم شخص است.)

(۲) با دوستان نخواهید جنگید. (لَنْ تُقَاتِلُوا: فعل مستقبل منفی است.)

(۳) با دشمنان بجنگ. (قَاتِلْ: فعل امر است.)

ب) (۱) غذا را نزد من فرستاده بود. (كَانَ قَدْ أَرْسَلَ: معادل ماضی بعید است.)

(۲) این نامه را نفرست. (لا تُرْسِلْ: فعل نهی دوم شخص است.)

(۳) آن‌ها را به‌جز بشارت‌دهندگان نفرستادیم. = آن‌ها را فقط بشارت‌دهندگان فرستادیم

(لَمْ تُرْسِلْ: معادل ماضی منفی ساده و نقلی است.)

۱۲- ﴿رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾

منادا

(پروردگارا، آنچه را که هیچ طاقتی بر آن نداریم بر ما تحمیل نکن.)

يَطِيرُ الطَّائِرُ طَيْرَاناً سَرِيعاً. (پرنده به سرعت پرواز می‌کند.)

مفعول مطلق نوعی

إِسْتَعْلَى الْفَلَّاحُونَ فِي الْمَرْعَةِ تَشْيِيطِينَ إِلَّا مَنْصُوراً.

مستثنی‌منه	حال	مستثنی
------------	-----	--------

(کشاورزان به‌جز منصور در مزرعه با نشاط کار کردند.)

المستثنی: منصوراً (اسمی که بعد از «إِلَّا» بیاید مستثنی است.) / المستثنی منه: الْفَلَّاحُونَ

(منصوراً که مستثنی است از الْفَلَّاحُونَ جدا می‌شود.)

المفعول المطلق: طَيْرَاناً (مصدر منصوب از فعل جمله (يَطِيرُ) است.) / نوعه: نوعی

(مفعول مطلق (طَيْرَاناً) دارای صفت است، بنابراین نوعی است.)

الحال: تَشْيِيطِينَ (مشتق، نکره و منصوب است و حالت ذوالحال خود (الفلاحون) را

توضیح می‌دهد.)

المُنَادَى: رَبِّ (حرف ندا «یا» از ابتدای رَبَّنَا حذف شده است.)

۱۳- (پیر - با پشتکار - لبخند - بازگشت - موش - دردآور)

الف) خنده‌ای آرام، بدون صدا. الِتِسْمَةُ: لبخند

ب) حیوان کوچکی که زیر زمین زندگی می‌کند، بیماری طاعون را منتقل می‌کند: الفَأْرَةُ: موش

ج) مرد یا زن بزرگ در سن. العَجُوزُ: پیر

د) کسی که در انجام کارش تلاش می‌کند و احساس خستگی نمی‌کند. الدَّوُّبُ: با

پشتکار

۱۴- لَا تُطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

نیازمندان را از آنچه نمی‌خورید غذا ندهید.

الف) لَا تُطْعَمُوا: گزینه «۱»

موارد نادرست در گزینه (۲): مفرد مذکر مخاطب - ثلاثی مجزء - مبنی

ب) المساکین: گزینه «۲»

موارد نادرست در گزینه (۱): اسم فاعل - نکره - مبنی - فاعل و مرفوع

۱۵- ترجمه متن: «تعالُد در طبیعت از طریق وجود روابط درهم آمیخته میان موجودات زنده و محیط زیست آن‌ها کامل می‌شود، ولی انسان نسبت به طبیعت و دخالتش در کارهای طبیعت که منجر به اختلال این تعادل می‌شود، ستم کرده است.»  
«آلفرد مؤسسه‌ای برای دادن جایزه‌های مشهور ساخت و ثروتش را برای خریدن جایزه‌های طلایی داد.»

الف) تعادل در طبیعت از چه چیزی کامل می‌شود؟  
يَتِمُّ التَّوَاظُنُّ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ جَلَالِ وَجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الكَائِنَاتِ الحَيَّةِ وَ بَيَّتِهَا.  
تعالُد در طبیعت از طریق وجود روابط درهم آمیخته میان موجودات زنده و محیط زیست آن‌ها کامل می‌شود.

ب) دخالت انسان در کارهای طبیعت به چه منجر می‌شود؟  
يُؤدِّي إِلَى اِخْتِلَالِ التَّوَاظُنِّ فِي اُمُورِ الطَّبِيعَةِ.  
به اختلال تعادل در امور طبیعت منجر می‌شود.

ج) آلفرد چرا مؤسسه‌ای ساخت؟  
بَنَى اَلْفَرْدُ مَوْسَسَةً لِمَنْحِ الجَوَائِزِ الشَّهِيرَةِ.  
آلفرد مؤسسه‌ای برای دادن جایزه‌های مشهور ساخت.

د) آلفرد برای خریدن جایزه‌های طلایی چه چیزی داد؟  
مَنَحَ ثِرْوَتَهُ.  
ثروتش را بخشید.

# درس نامه توپ برای شب امتحان

«إِنْ» گاهی معنای «زیرا» هم دارد.

لا يُحْزِنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ: سخن آن‌ها نباید تو را غمگین کند، زیرا عزت برای خداوند است. **مثال:** ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾: همانا خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (البقرة/۱۹۵)

**نکته:** «إِنْ» غالباً در اول جمله می‌آید.

**نکته:** هرگاه «إِنْ» به ضمیر «نا» متصل شود، به صورت «إِنَّا» و «إِنْتَا» می‌نویسیم.

**مثال:** ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ﴾: به درستی که ما به تو کوثر (خیر فراوان) عطا کردیم. (الکوثر/۱)

**نکته:** هرگاه «إِنْ» به ضمیر «ی» متصل شود، می‌توانیم بین این دو «نون وقایه» بیاوریم و به شکل «إِنِّي» بنویسیم. (إِنْ + ن + ی = إِنِّي)

**نکته:** اگر حرف «ما» به «إِنْ» متصل شود، (إِنَّمَا) معنای تنها و فقط (أسلوب حصر) می‌دهد.

**مثال:** ﴿إِنَّمَا الْفَرْقُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ﴾: افتخار تنها به خردی استوار است.

**۱۲ «أَنْ»:** به معنای «که» است.

دوستان خوب! معمولاً «أَنْ» بین دو جمله می‌آید و آن دو را به هم پیوند می‌دهد.

**مثال:** ﴿أَتُرْعَمُ أَنَّكَ جَزْمٌ صَغِيرٌ﴾: آیا گمان می‌کنی که تو موجود کوچکی هستی؟

**۱۳ «كَأَنَّ»:** برای «تشبیه» است و هرگاه «كَأَنَّ» را در جمله‌ای دیدید، آن را «گوی» «مانند» و «مثل این‌که» ترجمه کنید.

**مثال:** ﴿كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ﴾:

گوی خشنودساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

**۱۴ «لِكَأَنَّ»:** به معنای «ولی» و «اما» می‌باشد و برای برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش یا تکمیل آن به کار می‌رود.

**مثال:** ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلِكَيْتُمْ كُتْمٌ لَا تَعْلَمُونَ﴾:

و اکنون روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید. (الزمر/۵۶)

**۱۵ «لَيْتَ»:** به شکل «یا لَيْتَ» هم می‌آید و به معنای «کاش» و «ای کاش» است.

**مثال:** ﴿لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانِ﴾: ای کاش دوستم در امتحان موفق شود.

**نکته:** هرگاه «لَيْتَ» به ضمیر «ی» متصل شود، بین این دو «نون وقایه» می‌آید و آن را به شکل «لَيْتِنِي» می‌نویسیم. (لَيْتَ + «ن» وقایه + ی = لَيْتِنِي)

**مثال:** ﴿يَا لَيْتِنِي كُنْتُ تُرَاباً﴾: ای کاش من خاک بودم. (النبا/۴۰)

**۱۶ «لَعَلَّ»:** را به معنای «شاید» و «امید است» ترجمه می‌کنیم.

## کلمات مهم

حتماً تا حالا متوجه شدید که ترجمه انواع فعل در کتاب شما بسیار مورد تأکید است. بنابراین الان می‌خواهیم ببینیم که «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» در ترجمه فعل چه تغییری ایجاد می‌کنند.

**نکته:** «لَيْتَ» در جایی استفاده می‌شود که احتمال اتفاق افتادن آن فعل بسیار ضعیف یا محال است. مثلاً «لَيْتِنِي كُنْتُ تُرَاباً»: ای کاش خاک بودم.

ولی «لَعَلَّ» در جایی می‌آید که احتمال اتفاق افتادن آن وجود دارد.

لَعَلَّ النَّاسَ يَنْفَكِرُونَ: ای کاش مردم بیدیشند.

**مثال:** ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾:

بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم، امید است شما خردورزی کنید. (الزخرف/۳)

**نکته:** اگر جمله‌ای دارای «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» باشد و بعد از آن فعل مضارع بیاید (لَيْتَ یا لَعَلَّ + فعل مضارع)، آن فعل مضارع را به صورت مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه) ترجمه می‌کنیم.

(لَيْتَ یا لَعَلَّ + فعل مضارع = مضارع التزامی)

**مثال:** ﴿آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْقُرْآنَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾:

مضارع

به موسی کتاب و فرقان دادیم شاید هدایت شوید. (البقرة/۵۳)

مضارع التزامی

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

### مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ

#### «الْحُرُوفُ الْمُسَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ» وَ «الْأَتَافِيَةُ لِلْجِنْسِ» وَمَعَانِيهَا

#### الْحُرُوفُ الْمُسَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ

به مثال‌های زیر توجه کنید:

**مثال:** ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَئِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُشْكِرُونَ﴾:

بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند. (البقرة/۲۴۳)

**مثال:** ﴿لَيْتَ فَضْلَ الرَّبِّعِ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا﴾:

کاش فصل بهار در شهر ما طولانی باشد.

به حروفی مانند: «إِنْ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لِكَيْتَ، لَعَلَّ» حروف مُسَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ می‌گوییم.

**نکته مهم:** این حروف بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) می‌آیند و اعراب مبتدا را تغییر می‌دهند، یعنی ابتدای جمله را اسم خود و منصوب (ـ، ـ، ـ، ... ) می‌کند و خبر جمله را خبر خود قرار داده و مرفوع (ـ، ـ، ـ، ... ) می‌نماید.

به مثال زیر و تغییر حرکات کلمات توجه کنید:

**مثال:** ﴿لَعَلَّ النَّصْرَ قَرِيبٌ﴾: امید است پیروزی نزدیک باشد.

اسم لَعَلَّ فِعْرٌ لَعَلَّ  
و منصوب و مرفوع

**مثال:** ﴿كَأَنَّ الْمُشْتَرِيَّ مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ وَلِكَيْتَ الْبَائِعَ عَازِمٌ عَلَى بَيْعِهَا﴾:

اسم كَأَنَّ فِعْرٌ كَأَنَّ  
و منصوب و مرفوع  
اسم لِكَيْتَ فِعْرٌ لِكَيْتَ  
و منصوب و مرفوع

گویا مشتری در خرید کالا دو دل است، ولی فروشنده در فروش آن مصمم است.

**نکته:** می‌دانیم که اگر اسم یا خبر حروف مشبّهة بالفعل مبنی باشند حرکت آن‌ها تغییری نخواهد کرد.

**مثال:** ﴿كَأَنَّهُمْ بِنِيبٍ مُرْصُوعٌ﴾: گویی آن‌ها ساختمانی استوارند. (الصفا/۴)

اسم كَأَنَّهُمْ فِعْرٌ كَأَنَّهُمْ  
کَانَ و مرفوع

**نکته:** اگر خبر حروف مُسَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ، جمله (فعل) یا شبه‌جمله (جار و مجرور) باشد، حرکت آن‌ها تغییر نمی‌کند.

**مثال:** ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾ (البقرة/۲۴۷)

اسم إِنَّ فِعْرٌ إِنَّ  
و منصوب

«قَدْ بَعَثَ» اگرچه خبر «إِنَّ» می‌باشد، ولی چون جمله (فعل) است، حرکت آن تغییر نکرده است.

**مثال:** ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (النساء/۱۳۹)

اسم إِنَّ فِعْرٌ إِنَّ  
و منصوب

«لِلَّهِ» اگرچه خبر «إِنَّ» می‌باشد، ولی چون شبه‌جمله (جار و مجرور) است، حرکت آن تغییر نکرده است.

#### فِي تَرْجُمَةِ

آشنایی با معانی حروف مُسَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ بسیار مهم است، پس به مثال‌ها و نکات زیر توجه کنید.

**۱ «إِنْ»:** به معنای «قطعاً»، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است؛ به عبارت دیگر، جمله

پس از خود را تأکید می‌کند.

در متن‌ها و جمله‌هایی که مربوط به دوران جدید است می‌توانیم «إِنْ» را ترجمه نکنیم.

إِنَّ هَذَا السَّمَكُ يَعِيشُ فِي إِفْرِيقَا: این ماهی در آفریقا زندگی می‌کند.

همان‌طور که در مثال می‌بینید، فعل «تَهْتَدُونَ» مضارع است، ولی چون قبلش «لَعَلَّ» آمده به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم.

**مثال:** یا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ: ای کاش قوم من بدانند.  
مضارع التزامی

**نکته:** اگر جمله‌ای دارای «لَيْتَ» و «لَعَلَّ» باشد و پس از آن‌ها فعل ماضی بیاید (لَيْتَ یا لَعَلَّ + فعل ماضی) آن فعل ماضی را می‌توانیم به صورت ماضی استمراری (می + ماضی ساده) یا ماضی بعید (بن ماضی + ه + بود + شناسه) ترجمه کنیم.

**مثال:** لَيْتَ نَاصِرًا ابْتَدَعَ عَنِ الْكُسَلِ.  
ماضی

ماضی استمراری: کاش ناصر از تنبلی دوری می‌کرد.

ماضی بعید: کاش ناصر از تنبلی دوری کرده بود.

لَيْتِنَا شَاهِدُنَا جَمِيعَ مَدُنٍ يَلَادِي.

ماضی استمراری: کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدیم.

ماضی بعید: کاش همه شهرهای کشورم را دیده بودیم.

### الْثَّائِبَةُ لِلْجِنْسِ

به مثال‌های زیر توجه کنید:

**مثال:** لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ: هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

**مثال:** لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّقَرُّكِ: هیچ عبادتی همانند اندیشیدن نیست.

در مثال‌های بالا «لَا»ی نفی جنس و معنای آن‌ها را می‌بینید.

«لَا»ی نفی جنس بر سر جمله اسمیه می‌آید و حرکت مبتدا و خبر را تغییر می‌دهد؛ یعنی مبتدای جمله را اسم خود و مفتوح (ع) می‌کند و خبر جمله را خبر خود می‌کند و مرفوع می‌نماید.

به چند مثال زیر و تغییرات حرکات کلمات توجه کنید:

**الف:** لَا فُقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ: هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

اسم دلای غیر دلای نفی  
نفی جنس و مرفوع

**ب:** لَا جِهَادٌ كَجِهَادِ النَّفْسِ: هیچ پیکاری مانند پیکار با نفس نیست.

اسم دلای غیر دلای نفی  
نفی جنس و مرفوع

### حکات مهم

**نکته:** اسم بعد از «لَا»ی نفی جنس، همیشه مفتوح (ع) است.

**نکته:** اسم پس از «لَا»ی نفی جنس، همیشه بدون «ال» و «توین» است.

**مثال:** لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ: هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.

اسم دلای نفی غیر دلای نفی  
جنس، نکره و مفتوح نفی جنس

**نکته:** گاهی خبر «لَا»ی نفی جنس حذف می‌شود. این موضوع را باید از معنای جمله و حرکات کلمات فهمید.

**مثال:** لَا إِلَهَ [مَوْجُودًا] إِلَّا اللَّهُ: هیچ خدایی جز الله نیست.

غیر دلای نفی جنس و مفروق

**نکته:** خوب است بدانید که خبر لای نفی جنس در بسیاری از جمله‌ها به صورت «جار و مجرور» می‌آید.

**مثال:** لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْبُعْلِ: هیچ خبری در گفتاری نیست، مگر با کار (همراه باشد).

غیر لای نفی جنس، جار و مجرور

**نکته:** انواع «لَا»

تاکنون با انواع مختلفی از حرف «لَا» و معنای آن آشنا شده‌اید.

**الف:** «لَا» به معنای «نه»: متضاد «نعم» است و در پاسخ «هل» و «أ» (آیا) می‌آید.

**مثال:** هَلْ الطَّالِبُ الْمُتَكَابِلُ نَاجِحٌ؟ لَا

آیا دانش‌آموز تنبل موفق است؟ خیر (نه)

**ب:** «لَا»ی نهی: بر سر فعل مضارع می‌آید و آخر آن را تغییر می‌دهد (مجزوم می‌کند).

با فعل نهی دوم شخص (مخاطب) آشنا هستیم (لا تَكْتُبْ = ننویس، لا تَسْبُوا = دشنام ندهید)، اما «لَا»ی نهی می‌تواند قبل از فعل‌های مضارع اول و سوم شخص (غایب و

متکلم) هم بیاید که در این صورت معادل معنای فارسی مضارع التزامی منفی (نباید) است (لَا تَذْهَبْ = نباید برویم، لَا يَحْرُوكُ = نباید تو را غمگین کند).

**ج:** «لَا»ی نفی مضارع: بر سر فعل مضارع می‌آید، ظاهر فعل را تغییر نمی‌دهد و معنای آن را منفی می‌کند.

**مثال:** لَا يَرْحَمُ: رحم نمی‌کند / لَا يُدْرِكُ: یاد نمی‌شود

**د:** «لَا»ی نفی جنس: در ابتدای درس‌نامه، عملکرد و معنای آن را نوشتیم.

### فَن تَرْجِمَهُ

خُب! برویم سراغ اصل ماجرا که ترجمه «لَا»ی نفی جنس است.

«لَا»ی نفی جنس را به معنای «هیچ ... نیست» «هیچ ... وجود ندارد» ترجمه می‌کنیم.

**مثال:** لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ: هیچ میراثی مانند ادب نیست.

**مثال:** لَا فُقْرٌ كَالْجَهْلِ: هیچ فقری مانند نادانی نیست.

### کلمات و عبارات مهم درس

#### فعل‌ها

أَبْصَرَ: نگاه کرد  
شَعَرَ: دانست - احساس کرد  
فَارَّ - يَفُورُ - فُزَّ: رستگار شد - رستگار می‌شود - رستگار شو  
إِنْطَوَى - يَنْطَوِي: به هم پیچیده شد - به هم پیچیده می‌شود  
رَعِمَ: گمان کرد

#### سایر کلمات و عبارات

اُمْرِي: انسان  
أَلْجُزْمُ: پیکر  
أَلْحَاسُ: مس  
الطَّيْبَةُ، الطَّيْنُ: گل، سرشت  
الْعَظْمُ: استخوان  
الْبَدَلُ: جانشین  
سِوَى: جز  
أَكْفَاءُ: هم‌رتبه، هم‌تا  
أَلْحَدِيدُ: آهن  
أَلذَّهَبُ: طلا  
أَللَّحْمُ: گوشت  
أَلدَّاءُ: بیماری  
أَلْفِصَّةُ: نقره  
أَلْعَصَبُ: پی، عصب

#### متن درس

قِيمَةُ كُلِّ أُمْرٍ مَا يُحْسِنُهُ: ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد.

مَا تُبْصِرُ: نمی‌بینی  
لَا تَشْعُرُ: نمی‌دانی، احساس نمی‌کنی

أَتَزْعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ: آیا گمان می‌کنی که تو پیکر ناچیزی هستی؟

فِيكَ أَنْطَوَى: در تو، درهم پیچیده است.

لِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءٌ: برای مردان براساس انجام کارها ارزش (و نامی) است.

فَقَرٌّ يَعْلَمُ: با دانشی رستگار شو. (با دانش موفق شو)

أَيُّهَا الْفَاجِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ: ای جاهلانه افتخارکننده به دودمان!

هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فَصَّةٍ: آیا آنان را می‌بینی که از نقره آفریده شده‌اند؟

هَلْ سِوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ: آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی هستند؟

إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ: افتخار، تنها به خردی استوار است.

### کلمات و عبارات تمارین

يُشْبِهُ الْمَيِّتَ: شبیه به مرده است.  
كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: نمی‌دانستید

الصَّفِّ: ردیف  
الْعَصَاةُ: آرمیه‌گیری

لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكُدْبِ: هیچ بدی بدتر از دروغ نیست.

لَا يَحْرُوكُ قَوْلُهُمْ: گفتارشان نباید تو را اندوهگین سازد.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ: هیچ اجباری در دین نیست.

لَا تُطْعَمُوا: نخورانید

لَا تَسْبُوا: دشنام ندهید

لَا يَرْحَمُ: رحم نمی‌کند

أَسْرَى بِهِ: حرکت داد

أَعْلَمَ بِمَا يَكْتُمُونَ: به آن چه پنهان می‌کنند، داناتر است.

الْبُغْتُ: رستاخیز

الْمُتَرَدَّدُ: دودل، تردیدکننده

مَا يَلِي: آن چه می‌آید



## انواع حال

### ۱- حال مفرد

هرگاه حال (قید حالت) یک اسم باشد، به آن حال مفرد می‌گوییم.

**مثال:** ﴿ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴾ انسان ضعیف آفریده شد. (النسأ/ ۲۸)

حال مفرد

### ویژگی‌های حال مفرد

**الف)** حال مفرد، اسمی نکره است.

**ب)** حال مفرد، همیشه منصوب (ت، ۲، ...) است.

برای این که این دو ویژگی را بهتر بشناسیم، به مثال زیر توجه کنید:

**مثال:** ﴿ تَجْتَهِدُ الطَّالِبَةَ فِي آدَاءِ واجباتها راضية: ﴿

حال مفرد

دانش آموز در انجام تکالیفش، با خشنودی تلاش می‌کند.

«راضیه» در مثال بالا، حال (قید حالت) است و هر دو ویژگی (نکره، منصوب) را دارد.

**مثال:** ﴿ ارجعي إلى ربك راضية مرضية: ﴿

حال مفرد، حال مفرد،  
منصوب، نکره منصوب، نکره

خشنود و خدایسند به سوی پروردگارت بازگرد. (الفجر/ ۲۸)

«راضیه» و «مرضیه» هر دو حال هستند و دو ویژگی منصوب و نکره را دارند.

### ۲- حال جمله اسمیه

گاهی اوقات، حال (قید حالت) به صورت جمله اسمیه می‌آید.

**مثال:** ﴿ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴾

جمله فاعلیه اسمیه

زکات می‌دهند، در حالی که در رکوع هستند. (المائدة/ ۵۵)

جمله فاعلیه اسمیه

### ویژگی‌های جمله حالیه اسمیه:

**الف)** جمله حالیه اسمیه معمولاً همراه با «واو» می‌آید که به آن «واو حالیه» می‌گوییم.

**ب)** جمله حالیه اسمیه با ضمیر آغاز می‌شود. به عبارت دیگر، بعد از «واو» حالیه، معمولاً ضمیر می‌آید.

برای این که این دو ویژگی را بهتر بشناسیم، به مثال‌های زیر توجه کنید:

**مثال:** ﴿ وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ ﴾

جمله فاعلیه اسمیه (و + ضمیر و ...)

سستی نکنید و غمگین نشوید، در حالی که شما برترید. (آل عمران/ ۱۳۹)

### ۳- حال جمله فعلیه

گاهی اوقات فعل در جایگاه حال (قید حالت) قرار می‌گیرد و حالت اسم قبل از خود را نشان می‌دهد.

**مثال:** ﴿ رَأَيْتُ الطَّالِبَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي الْمَسْجِدِ ﴾

جمله فاعلیه فعلیه

دانش آموز را در حالی که قرآن می‌خواند، در مسجد دیدم.

خُب! حالا به چند نکته ریز درباره جمله حالیه فعلیه توجه کنید:

**الف)** در سال‌های قبل خوانده‌اید که: اگر در جمله‌ای اسم نکره باشد و پس از آن فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره توضیحی دهد، آن فعل، نقش جمله وصفیه را خواهد داشت (اسم نکره + فعل) اما اگر در جمله، اسم معرفه‌ای بیاید و پس از آن فعلی باشد که حالت

جمله وصفیه

اسم معرفه را بیان کند، آن فعل نقش حال را خواهد داشت.

(اسم معرفه + فعل)

جمله فاعلیه فعلیه

برای این که این نکته ریز را بهتر بفهمیم، دو مثال می‌آورم. لطفاً به اسم‌های نکره و معرفه قبل از فعل‌ها بیشتر توجه کنید.

**مثال:** ﴿ رَأَيْتُ الْوَلَدَ يَمْشِي بِسُرْعَةٍ ﴾

اسم معرفه جمله فاعلیه فعلیه

آن پسر را دیدم، در حالی که به سرعت راه می‌رفت.

الرَّيْبُ: شك

الْجُلْدُ: پوست

يَدْعُونَ: فرامی‌خوانند

لَا تُحْمَلُونَ: بر ما تحمیل نکن.

جَادِلْتُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: با آنان با (شیوه‌ای) که نیکوتر است، بحث کن.

هُوَ أَعْلَمُ يَمُنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ: او به (حال) کسی که از راهش گم شده، داناتر است.

الْمُفْسَدَةَ: مایه تباهی

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ: نفس، بسیار دستوردهنده به بدی است.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ: به راستی که مؤمنان رستگار شدند. (مؤمنان رستگار شده‌اند)

أَحْسِنُوا: نیکو کنید

عَلَامٌ الْغُيُوبِ: بسیار دانای پنهان‌ها

لَا تُمِيتُوا: نمیرانید

كُونُوا: باشید

## مترادف

اُمْرِي = انسان (انسان)	الإكراه = الإِجَار (اجبار)
الْبُعْثُ = الْقِيَامَةُ (رستاخیز)	الذَّاءُ = الْمَرَضُ (بیماری)
الشفاء = الصِّحَّة (سلامتی)	الْقَدْرُ = الْقِيَمَةُ (ارزش)
الرَّيْبُ = الشَّكُّ (شک)	كُنْتُمْ = سَتَر (پوشاند)

## متضاد

الْمَرَضُ (بیماری) ≠ الشِّفَاءُ (سلامتی)	الذَّاءُ (بیماری) ≠ الصِّحَّةُ (سلامتی)
الْقَصِيرُ (کوتاه) ≠ الطَّوِيلُ (بلند)	الْمُتَرَدِّدُ (دودل) ≠ الْعَازِمُ (مصمم)
الإكراه (اجبار) ≠ الأختيار (اختیار)	الصَّغِيرُ (کوچک) ≠ الْكَبِيرُ (بزرگ)
الْمُوتَى (مرده) ≠ الأحياء (زنده)	

## جمع مکسر

معنی	مفرد	جمع
پدر	الأب	الأبَاء
مرد	الرَّجُلُ	الرِّجَالُ
کار	الفعل	الأفعال
نام، بزرگی	الأسم	الأسماء
جانشین	الأبدل	الأبدال
پیگر	الجزم	الأجرام
پی، عصب	العصب	الأعصاب
استخوان	العظم	العظام
گوشت	اللحم	اللحوم
دهان	فم	أفواه

## الدَّرْسُ الثَّانِي

# الْوَجْهُ النَّافِعُ وَالْوَجْهُ الْمَضِرُّ



## الحال (قید حالت)

به چند نمونه زیر به همراه توضیحات آن‌ها توجه کنید:

**مثال:** ﴿ بَقِيَ نَوِيلٌ حَزِينًا ﴾ نویل غمگین باقی ماند.

در مثال بالا «حزیناً» بیانگر حالت نویل بوده است.

**مثال:** ﴿ بَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ ﴾ خداوند انبیا را نویدآور برانگیخت.

در این مثال «مُبَشِّرِينَ» حالت و چگونگی انبیا را بیان می‌کند.

به کلماتی مانند حَزِينًا، مُبَشِّرِينَ که حالت و چگونگی یک اسم، هنگام وقوع فعل را نشان

می‌دهد، حال یا قید حالت می‌گوییم.

خُب! حالا به سراغ انواع حال و ویژگی‌های آن می‌رویم.